با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

دستاویزهای اتوبوس‌ها را به مسافران برگردانید

تا مدتی قبل همه اتوبوس‌ها دستاویزهایی داشتند که مسافران می‌توانستند با کمک آنها حفظ تعادل کنند. متأسفانه بیش از یک سال است که هیچ اتوبوسی این دستاویزها را ندارد و مسافرانی که دستشان به میله‌های بلند اتوبوس نمی‌رسد، نمی‌توانند بدون دستاویز بایستند. لطفا با جذب حامی مالی و نصب تبلیغات این دستاویزها را به اتوبوس‌ها به‌خصوص در خطوط بی‌آر تی برگردانید.

قوامی از تهران

خیابان‌های شهرک جهان‌نمای کرج روشنایی کافی ندارند

خیابان‌های شهرک جهان‌نمای کرج هنگام شب تاریک است و علت هم این است که برای صرفه‌جویی تنها یک یا دو چراغ را روشن می‌کنند که این اصلا برای روشنایی خیابان‌ها و کوچه‌ها کافی نیست. این موضوع باعث شده که دزدی و کیف‌قاپی خصوصا از خانم‌هایی هنگام تاریکی هوا بسیار زیاد شود. اهالی این شهرک درخواست دارند که هرچه زودتر نسبت به حل این مشکل اقدام شود.

محمدی از کرج

قیمت‌های پارکینگ منطقه یک مصوبه شورای شهر ندارد

مدتی است پارکینگ‌های منطقه یک خلاف آخرین مصوبه شورای شهر عمل کرده و قیمت‌های دلخواه خود را از مراجعان می‌گیرند. درحالی که تعرفه مصوب ساعتی ۲هزار تومان است، ساعتی ۵هزار تومان می‌گیرند و بابت هر ساعت اضافه هم ۱۰هزار تومان! روزهای تعطیل این رقم حتی تا ۳۰هزار تومان هم می‌رسد و در اعتراض هم می‌گویند اجاره ما ۴۰۰میلیون تومان شده است. آیا مردم باید جور پیمانکار را بکشند؟ آیا به صرف اینکه پارکینگ در منطقه یک است باید هر قدر که دلشان می‌خواهد از مردم بگیرند و بگویند این پول‌ها رقمی نیست؟

قلی‌زاده از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

گرانی و کم‌فروشی شرکت‌های نوشابه‌سازی

همزمان با گرانی فراگیر در قیمت‌های همه اجناس و کالاها، اغلب نوشابه‌های قدیمی گازدار و معروف هم به کم‌فروشی و گرانفروشی روی آورده‌اند، به‌طوری که اغلب بطری‌های نوشابه‌های تولیدشده به‌طور واضحی سرخالی هستند، ضمن اینکه قیمت‌شان به اندازه‌ای گران شده که دیگر وقت حذف آنها از خرید گاه‌گاه خانواده‌هاست. شاید عده‌ای بگویند بهتر، ولی مضرات برخی مواد خوردنی و نوشیدنی دلیل نمی‌شود که هیچ نظارتی بر نحوه تولید و قیمت آنها صورت نگیرد.

محمود بلیغیان از اصفهان

اسامی ایستگاه‌های قطار در زمان توقف اعلام نمی‌شود

مدت‌هاست در زمان توقف قطار در ایستگاه، بلندگوی قطار نام ایستگاه را اعلام نمی‌کند. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که انبوه مسافران ایستاده در قطار نمی‌توانند بیرون را ببینند تا از روی اسم ایستگاه‌ها تشخیص دهند که باید پیاده شوند. جدای از آن افرادی هم هستند که بدون عینک قادر به خواندن نیستند. سؤال پرسیدن مداوم از دیگران هم فقط ایجاد مزاحمت است. تقاضا می‌شود هرچه سریع‌تر صدای گویای اعلام ایستگاه به قطارهای مترو بازگردد.

حسین‌زاده از تهران

سد گرین در نهاوند برای کشاورزان نگران کننده است

سد گرین چند سالی است که در حال ساخت است و هنوز به مرحله آبگیری نرسیده است. وعده‌های بسیاری درخصوص تخصیص حقابه به شهرستان از اول مطرح بوده است و همچنان عنوان می‌شود. قصد نداریم قضاوت کنیم اما تجربه سدسازی شهرهای دیگر پیش چشم‌مان است و به‌عنوان کشاورز نگران تامین آب زمین‌های کشاورزی هستیم. مسئولان چه تعهدی در این خصوص به کشاورزان خواهند داد که بعد از تکمیل و آبگیری سد ما همچنان آب برای کشاورزی داشته باشیم.

سلگی از نهاوند

پیام @ تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

بساط کردن دستفروشان در ایستگاه‌های مترو نیازمند برخورد قانونی است

تا همین چندی پیش دستفروشان به‌صورت سرپا در واگن‌های مترو تردد می‌کردند و به‌دلایل انسانی می‌شد از حضور و تجمع‌شان چشم‌پوشید اما اخیرا تعدادشان آنقدر زیاد شده که به‌سادگی در راهروهای ایستگاه‌ها آن هم به‌صورت گسترده و عینی بساط کرده‌اند و انواع لباس و زیورآلات و... را به نظم روی زمین چیده‌اند آنچنان که انبوه جمعیت مسافری برای عبور از کنار گاه‌گاه خانواده‌هاست. شاید عده‌ای بگویند بهتر، ولی مضرات برخی مواد خوردنی و نوشیدنی دلیل نمی‌شود که هیچ نظارتی بر نحوه تولید و قیمت آنها صورت نگیرد.

محمود بلیغیان از اصفهان

اسامی ایستگاه‌های قطار در زمان توقف اعلام نمی‌شود

مدت‌هاست در زمان توقف قطار در ایستگاه، بلندگوی قطار نام ایستگاه را اعلام نمی‌کند. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که انبوه مسافران ایستاده در قطار نمی‌توانند بیرون را ببینند تا از روی اسم ایستگاه‌ها تشخیص دهند که باید پیاده شوند. جدای از آن افرادی هم هستند که بدون عینک قادر به خواندن نیستند. سؤال پرسیدن مداوم از دیگران هم فقط ایجاد مزاحمت است. تقاضا می‌شود هرچه سریع‌تر صدای گویای اعلام ایستگاه به قطارهای مترو بازگردد.

حسین‌زاده از تهران

جاده کرج ماهدشت نیازمند سرعت‌گیرهای استاندارد است

در جاده کرج به ماهدشت (سر زیبادشت) به‌علت سرعت بالای خودروها و نبود سرعت‌گیر و روشنایی کافی، اغلب تصادفاتی برای عابران پیاده به‌خصوص دانش‌آموزان، زنان و بعضا افراد توان‌یاب رخ می‌دهد و چه بسا منجر به فوت می‌شود. این جاده به‌خصوص در شب‌ها خطرناک‌تر می‌شود. کافی است برای رفع مشکل، نور آن تامین شده و سرعت‌گیرهای استاندارد در مسیر نصب شود.

توان‌یاب تحت‌پوشش بهزیستی از کرج

زمین رایگان به مردم بدهند

برای رفع مشکل مسکن و جلوگیری از تورم در این بخش قیمت زمین رایگان شده و هر کس بتواند از مقدار زمینی متناسب با جمعیت خانواده‌اش برخوردار شود. در این صورت همه صاحبخانه شده و تورم مسکن شکست می‌خورد. سازوکار کارشناسی آن را نمی‌دانم ولی کارشناسان می‌توانند طرحی برای این موضوع بیابند که کاربردی و همه‌گیر باشد.

اولادی از تهران

سارق خشن طعمه‌هایش را با چاقو مجروح می‌کرد

نقشه هولناک سارق برای سرقت از پسربچه‌ها

دادسرا

پسر جوانی که هنوز مهر آزادی‌اش از زندان خشک نشده بود، نقشه سرقت کشید؛ او پسران ۱۰ تا ۱۴ ساله را به بهانه پرسیدن آدرس به دام می‌انداخت و پس از زخمی کردن آنها با چاقو، گوشی موبایل‌شان را سرقت می‌کرد.

به گزارش همشهری، چند روز قبل پسری ۱۰ ساله به همراه پدر و مادرش راهی اداره پلیس تهران شدند تا از سارقی خشن شکایت کنند.

این نوجوان در توضیح ماجرا گفت: به همراه اعضای خانواده‌ام به پارکی در نزدیکی خانه‌مان رفته بودیم. در آنجا سرگرم بازی با بچه‌های دیگر بودم و زمانی که می‌خواستم به سرویس بهداشتی بروم پسری جوان صدایم زد. وقتی به سمتش رفتم، او برگه‌ای را نشانم داد و گفت می‌خواهد به این آدرس برود. به محض اینکه به او نزدیک شدم تا نگاهی به برگه بیندازم، ناگهان چاقویی از جیبش بیرون آورد و روی پهلوهایم قرار داد. من شوکه شده بودم اما با این حال سعی کردم خونسردی خودم را حفظ و در برابرش مقاومت کنم که او با چاقو خطی روی دستم انداخت و پس از قاپیدن گوشی موبایلم متواری شد.

مجرم سابقه‌دار

با این شکایت، تیمی از مأموران پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای ویژه سرقت، تحقیقات برای شناسایی و دستگیری سارق را آغاز کردند و ظرف مدتی کوتاه با چند شکایت مشابه دیگر روبه‌رو شدند. شکایت‌هایی که نشان می‌داد سارق جوان به‌صورت سریالی از پسربچه‌ها سرقت و آنها را مجروح می‌کند.

بررسی‌ها حکایت از این داشت که مالباخته‌ها همگی بین ۱۰ تا ۱۴ ساله بودند و زمانی که برای تفریح به پارک رفته بودند به دام سارق خشن گرفتار شده‌اند. سارق برای آنکه آنها را بترساند با چاقو دستشان را خط می‌انداخت و بعد گوشی‌شان را می‌قاپید و فرار می‌کرد. کارآگاهان در نخستین گام با کمک پسربچه‌ها به چهره‌نگاری متهم پرداختند و در بررسی بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار، او را شناسایی کردند. وی یک مجرم سابقه‌دار بود که بارها به زندان رفته بود.

با این اطلاعات، پاتوق‌های احتمالی متهم زیرنظر گرفته شد تا اینکه مأموران چند روز قبل موفق شدند او را در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و در بازرسی خانه او تعدادی گوشی سرقتی کشف کنند. متهم که چاره‌ای جز اقرار نمی‌دید، به سرقت‌های سریالی از پسربچه‌ها اعتراف کرد و به دستور بازپرس پرونده برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

مکث

سرنوشت عجیب دزد ۲۴ساله

متهم ۲۴ساله است و با وجود این چندین بار به زندان افتاده؛ در پرونده‌اش از اتهام ضرب و شتم گرفته تا زورگیری و سرقت به چشم می‌خورد و خودش می‌گوید که شکست عشقی باعث شد زندگی‌اش به تباهی کشیده شود. گفت‌وگو با او را بخوانید.

چرا شکست عشقی باعث شد زندگی‌ات تباه شود؟

از زندگی من می‌توانید یک رمان بنویسید. من اهل خلاف نبودم و فکر می‌کردم آینده درخشانی داشته باشم اما آنطور که روباپردازی می‌کردم پیش نرفت و حالا تبدیل شدم به یک مجرم حرفه‌ای. می‌پرسید چرا شکست عشقی؟ چون عاشق یک دختری شدم که حاضر نشد با من ازدواج کند و بعد از او سرنوشت من هم تغییر کرد.

مگر چه اتفاقی افتاد؟

۱۸ ساله بودم که عاشق دختری شدم اما وقتی به خواستگاری‌اش رفتم جواب منفی شنیدم. من خیلی او را دوست داشتم اما فکر می‌کنم دوست داشتن ندا واقعی نبود. اسمش ندا بود و خانواده‌اش می‌گفتند من سن و سالی ندارم و نمی‌توانم دخترشان را خوشبخت کنم. ندا هم عاشق من نبود چون برای ازدواج با من پافشاری نکرد. به راحتی حرف خانواده‌اش را پذیرفت و حتی شنیدم که قرار است با پسر دوست پدرش که وضع مالی خیلی خوبی داشت و چند سال از من بزرگ‌تر بود ازدواج کند. به‌معنای واقعی شکستم و آتش کینه در دلم روشن شد. در پی انتقام بودم و می‌دانستم اگر انتقام نگیرم آرام نمی‌شوم. یک روز سر راهش سبز شدم و با تهدید به‌شدت او را کتک زدم به حدی که دست و پایش شکست و راهی بیمارستان شد. پس از این اتفاق بود که با شکایت ندا دختر مورد علاقه‌ام افتادم زندان و در آنجا هر خلافی که فکرش را بکنید یاد گرفتم.

بعد از آزادی به جای اینکه درس عبرت بگیری، راه خلاف را انتخاب کردی؟

دیگر مسیر زندگی‌ام عوض شد. دوستانم شدند یک مشت خلافکار. از آنها شیوه و شگردهای دزدی را یاد گرفتم. بعد از آزادی از زندان هم به همراه آنها می‌رفتیم سرقت. با آنها زورگیری می‌کردم تا اینکه دستگیر شدم و به زندان افتادم.

کی آزاد شدی؟

۲، ۳ ماه قبل. به محض آزادی باز خلاف را شروع کردم اما این‌بار دیگر با باند همکاری نکردم. تنهایی می‌رفتم سرقت.

چرا تصمیم گرفتی تنهایی سرقت کنی؟

چون وقتی همدست داشته باشی سهم کمتری گیرت می‌آید. از سوی دیگر خلاف را یاد گرفته بودم و شیوه و شگردها را می‌دانستم. چرا باید با کسی همدست می‌شدم و سهم کمتری به من می‌رسید.

این شگرد تازه را هم در زندان یاد گرفتی؟

در زندان یاد گرفتم تا پسربچه‌ها را شکار کنم. البته خودم هم وقتی کم‌سن و سال بودم به دام سارقی گرفتار شدم که تمام پول تو جیبی هایم را برد و من از این اتفاق خیلی ترسیده بودم. به همین دلیل طعمه‌هایم را در پارک‌ها انتخاب می‌کردم. پسربچه‌های ۱۰ تا ۱۴ ساله را، به بهانه آدرس به سمتشان می‌رفتم و با چاقو خطی روی دست یا صورتشان می‌انداختم تا وحشت به جانشان بیندازم. سپس گوشی و پول‌هایشان را سرقت کرده و فرار می‌کردم.

با گوشی‌های سرقتی چه می‌کردی؟

به مالخران می‌فروختم و پولش را هم خرج تفریح و خوشگذرانی می‌کردم.

فکر نمی‌کردی دستگیر شوی؟

راستش همیشه ماسک به‌صورت داشتم اما این اواخر فراموش می‌کردم ماسک بزنم و اصلا حواسم نبود که از روی چهره‌نگاری شناسایی می‌شوم. چون خیالم راحت بود در پارک‌ها دوربینی وجود ندارد اما خب ماه همیشه پشت ابر نمی‌ماند، بالاخره می‌دانستم روزی حقیقت آشکار و دستگیر خواهم شد.

قاتل بدنام آمریکا که به تحمل ۲۰۰سال زندان محکوم شده است، راز قتل دیگری را فاش کرد

افشای راز ۵۵ساله قاتل سریالی

خارجی

۵۵سال پیش دختر ۲۳ساله‌ای به نام دایان کیوسیک که به تازگی کارش را به‌عنوان مربی در یک مدرسه رقص کودکان در یکی از شهرهای ایالت تگزاس آمریکا آغاز کرده بود، زمانی که برای خرید کفش به یک مرکز خرید رفته بود، ناپدید شد. از همان زمان جست‌وجوی خانواده دایان و پلیس برای پیدا کردن او آغاز شد تا اینکه چند روز بعد جسد بی‌جان وی در یکی از محله‌های خلوت حاشیه شهر پیدا شد. پزشکان اعلام کردند که دایان از ناحیه سر و صورت به‌شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و قاتل پس از تجاوز، وی را خفه کرده و جسدش را همانجا رها کرده است. از آنجا که دختر جوان پیش از مرگ با قاتل درگیر شده بود، نمونه دی‌ان‌ای قاتل در محل حادثه کشف شد اما این سرنخ تا دهه بعد هیچ کمکی به پیدا شدن قاتل نکرد. چرا که در آن زمان آزمایشات ژنتیک در آمریکا هنوز پیشرفتی نداشت و به همین دلیل پلیس هیچ ردی از قاتل دایان به‌دست نیاورد.

دو تصویر از قاتل سریالی

۵۵سال بعد

بیش از ۵دهه از این جنایت گذشته بود و خانواده دایان همچنان به‌دنبال جوابی برای قتل او بودند تا اینکه مدتی قبل، این پرونده را کد دوباره به جریان افتاد و دی‌ان‌ای قاتل که همچنان در آزمایشگاه جنایی پلیس نگهداری می‌شد برای انجام آزمایشات تخصصی در اختیار آزمایشگاه ژنتیک قرار گرفت. این بار بررسی‌ها نتیجه داد و معلوم شد که دی‌ان‌ای قاتل با یک دی‌ان‌ای ثبت شده در بانک اطلاعاتی پلیس مطابقت دارد. این دی‌ان‌ای متعلق به یک قاتل سریالی مخوف بود. مردی به نام ریچارد کوتینگام که از سال ۱۹۸۰ به جرم قتل دست‌کم ۱۱ زن دستگیر و به تحمل ۲۰۰سال زندان محکوم شده بود. به این ترتیب اسرار قتل دختر ۲۳ساله پس از ۵۵سال فاش شد و وقتی مأموران به سراغ قاتل سریالی در زندان رفتند، او اعتراف کرد که علاوه بر ۱۱ زنی که قبلا به قتل آنها اقرار کرده بود، دایان را هم به قتل رسانده است. پلیس می‌گوید، روزی که دایان ناپدید شد، مرد جنایتکار درحالی که خود را افسر پلیس معرفی کرده، نزد او رفته و با این ادعا که وی مرتکب سرقت شده و باید همراه او به اداره پلیس بیاید، دختر جوان را سوار بر خودروی خود کرده و به محل جنایت برده است. او سپس به ضرب و شتم مقتول پرداخته و پس از تجاوز، وی را خفه و جسدش را همانجا رها کرده است.

ریچارد کوتینگام کیست؟

ریچارد کوتینگام که از سوی مطبوعات آمریکا «قاتل نیم‌تنه» نیز لقب گرفته است، مردی ۷۶ساله است که از سوی دادگاه به تحمل ۲۰۰سال حبس محکوم شده و باید تا پایان عمرش پشت میله‌های زندان بماند. او بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۰ میلادی دست به قتل سریالی زنان و دختران خیابانی می‌زد. این مرد در سال ۱۹۸۰، دستگیر شد. در آن زمان مأموران پلیس در نیوجرسی با پرونده‌های متعددی درباره گم شدن زنان و دختران مخصوصا زنان خیابانی و روسپی روبه‌رو شدند و این در حالی بود که نیم‌تنه برخی از این افراد درحالی که در نقاط مختلف شهر دفن شده، پیدا شده بود. همه‌چیز از این حکایت داشت که پلیس با یک قاتل سریالی مخوف روبه‌رو است؛ مردی که سراغ زنان و دختران خیابانی می‌رود، پس از کشاندن آنها به مکانی خلوت، این افراد را به قتل می‌رساند و سپس اجساد آنها را به دونیم تقسیم و هر قسمت را در محلی خلوت دفن می‌کند.

افزایش اجساد پیدا شده از سوی پلیس در آن زمان باعث ایجاد ترس و وحشتی عمیق در بین زنان و دختران شده بود و کارآگاهان در تلاش بودند که با شناسایی سرنخی از قاتل سریالی او را دستگیر کنند. تا اینکه در یکی از شب‌های سال ۱۹۸۰ این اتفاق رخ داد و مأموران پلیس که در حال گشتزنی بودند، با شنیدن صدای جیغ یک زن متوجه درگیری او با یک مرد شدند و این مرد را دستگیر کردند. مأموران پلیس در جیب ریچارد دستبند، نوار برای بستن دهان و دست قربانیان، یک تفنگ اسباب‌بازی، چاقو و موادمخدر یافتند و حدس زدند که وی همان قاتل سریالی است که در تعقیب او هستند. کارآگاهان در ادامه راهی خانه این مرد شدند و در بازرسی از آنجا به شواهد زیادی که با قربانیان مرتبط بود، دست یافتند؛ وسایلی چون گوشواره‌های قربانیان، دستبند و زیورآلات دخترانه و زنانه. مأموران پلیس مدارکی مربوط به حدود ۲۰نفر در خانه این مرد پیدا کردند، اما قاتل سریالی پس از دستگیری و در جریان بازجویی‌ها، تنها به قتل ۱۱نفر اعتراف کرد.

این مرد مدعی شد که نخستین قتل را در سن ۲۱ سالگی رقم زده است. مقتول زنی ۲۹ساله به نام نانسی وگل بود که او پس از ضربه‌ای که بر سرش وارد کرد، وی را بیهوش و سپس خفه کرد. ریچارد گفت که تمامی اجساد قربانیان خود را پس از کشتن مثله می‌کرد. این مرد که پدر ۳فرزند بود اعتراف کرد که پس از آشنایی با قربانیانش آنها را فریب داده و به محل‌های خلوت کشانده و سپس به آنجا تجاوز کرده و این افراد را به قتل می‌رساند. با اعترافات این قاتل مخوف، وی در دادگاه محاکمه و به تحمل ۲۰۰سال زندان محکوم شد. او به زندان منتقل شد و در همه این سال‌ها پلیس در تلاش بود تا شاید بتواند در تحقیق از او، راز دیگر جنایاتی را که مرتکب شده بود برملا کند. اتفاقی که چند روز پیش رخ داد و با افشای راز قتل دایان(دختر ۲۳ساله) ریچارد در سن ۷۶سالگی به قتل وی اعتراف کرد. این در حالی است که پلیس عقیده دارد که این قاتل بدنام بین ۸۵تا ۱۰۰زن و دختر را به قتل رسانده و شاید در آینده اسرار قتل‌های دیگر او هم فاش شود.

طناب دار بر گردن قاتل جوان موبایل فروش

پیگیری

سارق جوانی که در جریان سرقت خونین از موبایل فروشی در اسلامشهر فروشنده را با ضربات چاقو به قتل رسانده بود ۲سال پس از این جنایت قصاص و پرونده زندگی‌اش برای همیشه بسته شد.

به گزارش همشهری، این جنایت هشتم فروردین سال ۹۹ در خیابان کاشانی اسلامشهر رقم خورد. محل جنایت، مغازه موبایل فروشی جوانی به نام فرشاد - ۲۷ساله- بود و وقتی مأموران پلیس راهی آنجا شدند در بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته متوجه شدند که ۲پسر جوان وارد مغازه شده و پس از اینکه صاحب مغازه را با ضربات چاقو به‌شدت مجروح کردند، ۵۰گوشی موبایل سرقت کرده و همراه همدست‌شان که بیرون از مغازه ایستاده بود گریختند. هرچند جوان موبایل فروش به بیمارستان منتقل شد اما به‌دلیل شدت جراحات وارده جانش را از دست داد. همزمان تحقیقات پلیس برای دستگیری عاملان جنایت آغاز شد و چند ساعت بعد آنها موفق شدند هر سه سارق را دستگیر کنند.

تصاویر دوربین مداربسته موبایل‌فروشی که در آن جزئیات جنایت به خوبی مشخص بود در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و بازتاب گسترده‌ای داشت. در این شرایط بود که این پرونده در وقت فوق‌العاده رسیدگی و با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در جلسه محاکمه که در شعبه اول دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی باقری برگزار شد، نماینده دادستان اسلامشهر در دفاع از کیفرخواست گفت: متهم ردیف اول متولد ۱۳۷۷ و اتهام او مشارکت در قتل عمدی، حمل سلاح سرد، سردستگی و تشکیل باند و مشارکت در سرقت مسلحانه است. متهم ردیف دوم متهم به مشارکت در تشکیل باند و مشارکت در سرقت مسلحانه و متهم ردیف سوم، متهم به معاونت در سرقت مسلحانه است و تقاضای مجازات آنها را دارم.

در ادامه، اولیای‌دم مقتول نیز خواستار قصاص قاتل شدند و سپس متهم ردیف اول در جایگاه ایستاد و به شرح روز حادثه پرداخت. او گفت: همه اتهامات را قبول دارم. من خصومتی با مقتول نداشتم و مدتی قبل نقشه سرقت از آنجا را کشیدیم. با دوستانم قرار گذاشتیم صبح زود این کار را انجام دهیم که در خیابان‌ها کسی نباشد. زمانی که وارد مغازه مقتول شدیم وی کرکره را پایین داد و گفت به‌خاطر کرونا مجبور است که کرکره را پایین دهد. چون مغازه‌ها باید تعطیل باشند. ما در ادامه مشخصات گوشی‌ها را پرسیدیم و به متهم ردیف دوم اشاره کردم و به او فهماندم که منصرف شده‌ام؛ اما او گفت که صبر کن. متهم ردیف سوم با من از طریق هندزفری ارتباط داشت و می‌گفت هر کاری انجام می‌دهی دست خالی بیرون نیا. چاقویی را که همراه خود برده بودم برای این بود که اگر در خیابان کسی دنبال ما کرد چاقو را به او نشان دهم و بترسانم. اما وقتی صاحب مغازه کرکره را پایین داد و در داخل گیر کردیم با خود فکر کردم تا او را با چاقو تهدید کنم، در این فکر بودم که مقتول به مانیتور پشت سر من نگاه انداخت و دست خود را به سمت گاوصندوق برد. در آن لحظه نتوانستم درست فکر کنم و پیش خود گفتم الان شوکر یا گاز درمی‌آورد. به همین دلیل چاقو را پرت کردم که او گردن خود را گرفت و من داد زدم ما نمی‌خواهیم تو را بزنیم و از او خواستم روی زمین بنشیند تا ما کار خود را انجام دهیم. اما مقتول به سمت کشو رفت و کشو را باز کرد. من در داخل کشو شوکر را دیدم. در آن لحظه کنترل خودم را از دست دادم. چشمانم را بستم و ضربه دوم را پرتاب کردم که خون همه جا را گرفت. همدستم گوشی‌ها را جمع کرد و فرار کردیم. انگیزه ما سرقت بود، نه قتل.

در ادامه این جلسه ۲متهم دیگر نیز جزئیات این سرقت خونین را بازگو کرده و به دفاع از خود پرداختند و در نهایت با پایان دفاعیات متهمان و وکلای مدافع‌شان ختم دادرسی اعلام شد و هیأت قضایی برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

قضات دادگاه در نهایت متهم ردیف اول را که عامل اصلی جنایت بود به قصاص و ۲همدستش را نیز به تحمل حبس محکوم کردند. هرچند متهمان به این رأی اعتراض کردند اما مدتی بعد این رأی در شعبه ۲۹دیوان عالی کشور مهر تأیید خورد و شمارش معکوس برای اجرای حکم آغاز شد.

با گذشت بیش از ۲سال از این جنایت، صبح دیروز، قاتل جوان موبایل‌فروش در زندان پای چوبه دار رفت و با اجرای حکم قصاص پرونده زندگی او برای همیشه بسته شد.

کوتاه از حادثه

شهادت سرباز مرزبانی در درگیری با اشرار

سرباز وظیفه‌ای که از نیروهای مرزبانی بود در جریان درگیری با اشرار مسلح به شهادت رسید. به گزارش همشهری، سرباز وظیفه معین قدمیاری، از نیروهای هنگ مرزی زابل ظهر دیروز (چهارشنبه) هنگام حراست و پاسداری از مرزهای عزت و شرف ایران اسلامی در درگیری مسلحانه با اشرار در نقطه صفر مرزی به شهادت رسید. سردار محمد ملاشاهی فرمانده مرزبانی سیستان و بلوچستان ضمن اعلام این خبر در پیامی شهادت این شهید والامقام را به خانواده و همرزمان‌شان تبریک و تسلیت گفتند. شهید معین قدمیاری مجرد و ساکن شهر مقدس مشهد بود.

دستگیری عاملان توزیع مشروبات الکلی مسموم در یاسوج

۲نفر که با توزیع مشروبات الکلی مسموم در یاسوج موجب جان‌باختن ۲نفر و مسمومیت دست‌کم ۶۸نفر شده بودند توسط پلیس دستگیر شدند.

به گزارش همشهری، از چند روز قبل افراد زیادی با علائم مسمومیت به مراکز درمانی یاسوج مراجعه کردند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که آنها به‌دلیل مصرف مشروبات الکلی دچار مسمومیت حاد شده‌اند. شرایط ۲نفر از آنها به حدی بود که ساعتی پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست دادند و وضعیت سایر مسمومشدگان نیز چندان مناسب نبود و پزشکان مجبور شدند آنها را دیالیز کنند. در شرایطی که شمار افرادی که با علائم مسمومیت به بیمارستان مراجعه می‌کردند هر روز بیشتر می‌شد پلیس تحقیقات خود برای شناسایی عامل توزیع مشروبات الکلی مسموم را آغاز کرد. هرچند افراد مسموم شده با یکدیگر ارتباطی نداشتند و در یک محل مسموم نشده بودند اما بررسی‌ها حاکی از آن بود که آنها مشروبات الکلی مسموم را از طریق ۲مرد جوان تهیه کرده‌اند. درحالی که تعداد افراد مسموم شده به ۶۸نفر رسیده بود مأموران موفق شدند که ۲متهم را دستگیر کنند. سردار کیقباد مصطفایی، فرمانده انتظامی کهگیلویه و بویراحمد با اعلام خبر دستگیری عاملان اصلی مسمومیت جوانان در یاسوج گفت: با اضافه شدن ۸نفر دیگر در دوشنبه شب، تعداد افراد دچار مسمومیت با اتانول به ۶۸نفر رسید که از این تعداد تاکنون ۲نفر فوت شده‌اند و ۳نفر در بخش مراقبت‌های ویژه تحت درمان هستند. به گفته وی ۲متهم در بازداشت به‌سرمی‌برند و تحقیقات از آنان ادامه دارد.

جدال دختر شجاع با آزارگران آنها را ناکام گذاشت

دختر جوان وقتی فهمید که سرنشینان پراید قصد ربودن او را دارند به جدال با آنها پرداخت و این درگیری باعث نجاتش شد.

به گزارش همشهری، چند شب قبل دختری جوان از محل کارش در غرب تهران خارج شد تا به خانه‌اش برود. وی کنار خیابان منتظر ماشین ایستاده بود که خودروی پرایدی مقابل پایش ترمز کرد. به جز راننده، پسری جوان در صندلی عقب نشسته بود و دختر جوان که تصور می‌کرد راننده خودرو، مسافرکش است، سوار شد و در صندلی عقب نشست اما هنوز مسافتی طی نکرده بودند که متوجه شد راننده و مسافر صندلی عقب با یکدیگر همدست هستند و نیت شومی در سر دارند.

شاهد زیرک

لحظاتی بعد راننده خودرو، تغییر مسیر داد و وارد اتوبانی در غرب تهران شد. متهمان قصد خروج از تهران را داشتند تا در منطقه‌ای خلوت طعمه خود را مورد آزار و اذیت قرار بدهند اما دختر جوان که متوجه نیت شوم پراید سواران شده بود، به جدال با آنها پرداخت و با فردی که در صندلی عقب نشسته بود درگیر شد. او تقلا می‌کرد و متهم قصد داشت نقشه شوم خود را عملی کند. با این حال دختر جوان با لگد به شیشه می‌کوبید که در همین هنگام، یکی از رانندگان خودروهای عبوری که زنی جوان بود، متوجه این صحنه و جدال دختر جوان با سرنشین صندلی عقب شد و با پلیس تماس گرفت. با این حال دست از تعقیب پراید سواران برنداشت تا هرطور شده دختر جوان را از دست پراید سواران نجات بدهد. زن جوان یک لحظه چشم از آنها بر نمی‌داشت و حتی سعی می‌کرد سرعت ماشینش را بیشتر و آنها را متوقف کند.

فرار

پرایدسواران متوجه شدند که راننده‌ای در حال تعقیب آنهاست و هر ۲ به‌شدت دستپاچه شده بودند. دقایقی بعد راننده پراید برای فرار وارد خیابان فرعی شد و در همان لحظه بود که دختر گروگان با مشت و لگد ضربه‌ای به بینی جوان آدم‌ربا زد و بعد آن موفق شد با باز کردن در، خود را به بیرون از ماشین پرتاب کند. بر اثر این اتفاق، دختر جوان به شدت آسیب دید و پرایدسواران نیز از محل گریختند. از سوی دیگر راننده زن که در حال تعقیب شان بود به سراغ دختر مجروح رفت و با اورژانس تماس گرفت. دختر جوان که از ناحیه دست و پا دچار شکستگی شده بود، پس از آنکه تحت درمان قرار گرفت، راهی اداره پلیس شد تا جزئیات آدم ربایی را شرح دهد. این دختر ۲۲ساله گفت: من تصور کردم که راننده پراید، مسافرکش است و جوانی که در صندلی عقب نشسته بود، مسافر. اما وقتی سوار ماشین شدم و دیدم درها قفل شد، فهمیدم که نیت شومی در سر دارند. در این شرایط بود که به جدال با یکی از آنها پرداختم و بعد راننده به همدستش گفت که راننده‌ای در حال تعقیب شان است. هر دوی آنها به‌شدت ترسیده بودند. وحشت را در چشمان شان دیدم و در یک لحظه توانستم با مشت و لگد به بینی جوان آزارگر ضربه‌ای بزنم. این کار من موجب شد تا پسر جوان دچار خونریزی شدید شود و من هم از فرصت استفاده کرده و خودم را به بیرون از ماشین پرتاب کردم. هر چند در این حادثه دست و پایم شکست اما بخت با من یار بود که توانستم از دست ۲جوان آزارگر فرار کنم؛ چون می‌دانستم اتفاق هولناکی در انتظارم است.

با شکایت دختر جوان، پرونده پیش روی بازپرس دادسرای جنایی تهران قرار گرفته و با دستور وی، گروهی از مأموران اداره آگاهی تهران مأمور شدند تا هرچه زودتر پرایدسواران فراری را شناسایی و دستگیر کنند.